

جمهوریت افغانستان به کشتارگاه مبدل شده؛ آیا راه نجاتی است؟

در چند ماه اخیر ترورهای زنجیره‌یی، انفجارها، راکت‌پراکنی‌ها و بمباردهای کور کورانه در شهر و روستاهای افغانستان اوج گرفته و متنفذین، کارمندان دولتی، ژورنالیستان، تحلیل‌گران، امامان مساجد، چهره‌های سرشناس و مردم ملکی یکی پی دیگری به انواع گوناگون کشته می‌شوند. برای مردم عادی شده که صبح و شام شان را با صدای انفجار و اخبار بمباردها آغاز کنند. افغانستان به مرگ‌بارترین کشور برای افراد ملکی، متنفذین و خبرنگاران مبدل شده است. دولت افغانستان صرف ابراز تاسف نموده، کمیسیون می‌سازد و آمارگیری می‌کند؛ و درین اواخر وزارت داخله‌ی افغانستان با بی‌شرمی به تعدادی از خبرنگاران گفته است رسانه‌های که توانایی خرید سلاح را به کارمندان شان ندارند، تعطیل شوند.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه افغانستان ضمن اتحاف دعا برای کشته شده‌ها، طلب شفای عاجل و کامل برای زخمیان و طلب صبر و اجر برای خانواده‌ها و متضررین حوادث اخیر نکات آتی را قابل ذکر می‌داند:

اول: موج ترورهای زنجیره‌یی و راه اندازی وحشت از پروژه جدیدی حکایت دارد که توسط آن طرف‌های ذیدخل در پروسه صلح افغانستان با انجام دادن حملات استخباراتی و به قیمت خون مسلمانان این سرزمین امتیاز و حصه‌ی بیشتری از کیک صلح را بدست آورده و افکارعامه را علیه جناح مقابل خویش بسازند. آنچه در این میان قابل مکث است این‌که امریکا بیشترین امتیاز را از پروسه صلح کسب نموده و عساکر و مراکز خود را مصئون ساخته و برعکس افغان‌ها را به جان یکدیگر انداخته است.

دوم: کار دولت افغانستان محکوم کردن و اعلامیه نویسی بالای اجساد کشته شده‌ها شده است. دولت مردان در عقب دیوارهای بلند و با موترهای زرهی به دور از مردم، زندگی و تجارت دارند و هیچ دردی از مردم را حس نمی‌کنند. این حُکام از یک‌سو خود را حامی و حامل ارزش‌های انسانی می‌دانند و جلوی رسانه‌ها برای جمهوریت‌خواهی گلو پاره می‌کنند؛ ولی هنگامی که قدرت و منفعت شان به خطر افتاد، به قاتل و جلاد مبدل می‌گردند. چنان‌که در این اواخر کسانی که دولت را انتقاد می‌کنند به زندان و مرگ تهدید می‌شوند. بلی، این همه سلاخی و وحشت، ترجمان همان نعره‌های صلح و جمهوریت است که گوش‌های جامعه را تا به امروز اذیت می‌کند. در واقع، آن‌ها نه به اسلام ارزش قائل اند و نه هم پروای جمهوریت را دارند. تنها چیزی را که می‌شناسند تداوم قدرت و کسب منفعت است.

پس مردم مسلمان افغانستان باید بدانند که راه نجات تغییر چهره‌ها و اصلاح این نظام فاسد نیست؛ بلکه نیاز به یک تغییر اساسی و بنیادی می‌باشد. تغییری که نظام‌های وارداتی و رهبران قدرت طلب و فراشوتی را دفن زباله‌دان تاریخ نموده و در عوض نظمی را برقرار نماید تا از یک‌سو مطابق به عقیده و ارزش‌های اسلامی مردم این سرزمین باشد و از سوی دیگر رهبرانی را روی کار آورد که از عقیده، جان، مال و ناموس مردم پاس‌داری نموده و آن را اساسی‌ترین مکلفیت خویش بپندارند. این نظام چیزی نیست جز اسلام و دولت اسلامی (خلافت اسلامی).

"إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتَلُ مِنْ وَرَائِهِ وَيَتَّقَى بِهِ" رواه مسلم

حقا که خلیفه سپر است، از عقب آن مسلمانان می‌جنگند و توسط آن حمایت و محافظت می‌شوند.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه افغانستان